

ماجرای عشق و عاشقی میدون

چرا شهرداری تهران هی درس عبرت می‌دهد؟



► **پوریا عالمی**

● من میدون هستم، میدون دوم، عاشق سوفیا. بابای سوفیا اما عاشق من نیست و سوفیا را به من نمی‌دهد. دیروز دوباره با شدم رفتم خواستگاری و گفتم: سوفیا را بده من. بابای سوفیا گفت: «طرف رفت ساندویچی گفت یه ساندویچ بده، ساندویچیچه گفت می‌خوری یا بییچم؟ طرف گفت نه بییچ، مستقیم برو». پس مگه اومدی ساندویچی؟ نه عزیزم، نمی‌بیچم. شما مستقیم برو. گفتم: چه ارائه قشنگ ساندویچی‌ای به کار بردید. نکنه زمختان را گرفتم. بابای سوفیا گفت: پسر تو نخواهی بیایی خواستگاری سوفیا و من نخواهم سوفیا را به تو بدهم، باید چی‌کار کنم؟ گفتم: سوفیا را بدهی به من. بابای سوفیا طوری عصبانی شد که کلیول‌های قرمز خونس از توی چشمش ریختند توی قندان.

من هم که دیدم بابای سوفیا در معرض خطر است، سریع حرف را عوض کردم و جانش را خریدم و گفتم: حرص نخورید بابای سوفیا... یک خبر خوب دارم، یک خبر بد. خبر بد این است که طبق تئیر رسانه‌ها و وضعیتی که دریاچه نمک قم دارد، «توفان شور» در راه تهران است.

بابای سوفیا گفت: توفان شور؟ خبر از این بدتر؟ خبر خوبت چیست؟ گفتم: من به‌عنوان یک مغز اقتصادی و یک مجمع‌الجزایر باقوه در اقتصاد، می‌خواهم بروم با مسئولان صحبت کنم علاوه بر توفان شور که به تولید کلم سفید و هویج مملکت کمک می‌کند، توفان ترشی لیته و توفان مربای به و توفان مربای سیب و توفان هندوانه هم بسازیم تا از پتانسیل کشاورزی مملکت استفاده کنیم.

بابای سوفیا گفت: چچی؟ یعنی چی؟ کلم کجا بود؟ توفان ترشی لیته چیه؟ گفتم: مگر «توفان شور» منظورشان این نیست که کلم‌ها را باد می‌دهند که توفان بیاورد بریزد سر ما؟

بابای سوفیا رفت سمت دیوار و سرش را شروع کرد به کوبیدن. گفتم: از ته دل آرزو می‌کنم زلزله موضعی بیاید و سقف خانه بریزد سر تو و من خلاص شوم.

گفتم: واقعا حیف من. شما می‌دانی با این خلأقتی که من توی بازی با کلمه توفان شور داشتم، سازمان زیباسازی شهرداری تهران، من را روی هوا می‌زنند، تا بروم برایشان بیلورد بنویسم و شهروند کوشا راه بیندازم؟

بابای سوفیا گفت: پسر چی‌کار به پیام‌های اخلاقی شهرداری داری؟ گفتم: به جان بابای سوفیا، یک‌طوری می‌نویسند که آدم همیشه عذاب وجدان بگیرد و خیال کند خیلی آدم بی‌صرفی است.

ما یک‌بار سوار اتوبوس بودیم چهارتا بیلورد شهرداری و سه‌تا نوشته روی پل عابر را با هم خواندیم، کل اتوبوس دسته‌جمعی پا شدیم رفتم کلاتری خودمان را معرفی کردیم. یعنی تابلودار بود که ما همه مجرمیم و ننگ جامعه. یکی هم می‌خواست خودش را از پنجره اتوبوس پرت کند پایین که ما جلوش را گرفتیم. طرف گفت بذارید جامعه‌رو نجات بدم...

بذارید خودم رو بنذارم پایین...

من آدم بدی هستم...

خاصه اینکه شهرداری طوری روی این تابلوها می‌نویسد که آدم حالت بزه‌کار پیدا می‌کند...

بابای سوفیا گفت: من اگر جای شهرداری بودم جای این بیلوردها و پیام‌های اخلاقیش، تو را از بقه آویزون می‌کردم تا بشوی آینه عبرت دیگران.

نتیجه‌گیری

هیچ‌وقت خلاقیتان را الکی نشان ندهید، مستقیم بروید شهرداری و استخدام شوید.

شترخوار

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۹۵ ۱۸ رجب ۱۴۳۷ ۲۶ آوریل ۲۰۱۶
سال سیزدهم • شماره ۲۵۶۸ • صفحه ۶۰۱۷
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۰۶ • اذان صبح فردا ۴:۴۵ • طلوع آفتاب ۱۷:۱۷

روزنامه‌فردا



کارتون خواب

► **مهدی عزیزی**



همین حوالی

قاتل ستایش را در فضای مجازی چندین بار اعدام کردند

همدردی را به کینه تبدیل کردیم

پیدای‌های را سوار کرد و در نقطه برعکس‌ش سوار خودرو شد و با نادیده‌گرفتن قوانین راهنمایی و رانندگی عابری را زیر گرفت و کشت؛ اگرچه در این مثال خودرو عامل تسهیل‌کننده این اتفاق بوده نه علت آن. درباره شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی نیز عامل تسهیل‌کننده بیان این خشونت‌های کلامی این شبکه‌ها هستند و کاربران علت اصلی. هنوز هم همه ما خطره برخی خشونت‌های کلامی را که در مقطعی نوشتن آنها بر پشت در سرویس‌های بهداشتی رواج داشت فراموش نکرده‌ایم. عاملان خشونت‌های کلامی منعکس‌شده پشت در سرویس‌های بهداشتی همان کسانی هستند که امروز در شبکه‌های مجازی دست به انتشار مطالب توهین‌آمیز می‌زنند. باوجوداین باید تاکید کرد افراد خود در ساختارهای مختلف فرهنگی،



سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دست به کنش می‌زنند و متأسفانه بسیاری از این ساختارها در کشور ما خشونت‌زاست. ما در کشوری زندگی می‌کنیم که برخی از نشریات به تعبیر رئیس‌جمهور فحش‌نامه هستند؛ در کشوری که هرکس که تریبونی دارد حتی اگر این تریبون، تریبون رواج مفاهیم ارزشی و اعتقادی باشد، از آن برای تاختن به رقیب خود و حتی توهین به آن استفاده می‌کند. آیا اینها نشان از بحران‌زدگی اخلاقی ما ندارند؟ این خشونت کلامی قطعاً معلول ساختارهایی است که در طول زمان قرن‌هاست که با ابزارها کار می‌کنیم و به تجربه دریافت‌هایم که این کاربر ابزار است که نحوه استفاده از آن را مشخص می‌کند. یک چاقو می‌تواند برای بریدن گوشت و آماده‌کردن غذایی به کار برده شود تا شکمی را سیر کند و برعکس می‌تواند شکم بی‌گانه‌ای را پاره کند یا می‌توان سوار یک خودرو شد و با شبکه‌های

در مورد مرگ‌های ناگهانی که اخیراً اتفاق افتاده و تبعات آن، از نظر اجتماعی و حقوقی، مواردی گفتنی است:

یک به‌طورکلی، مرگ‌های ناگهانی می‌تواند دخالت مراجع قضائی را در پی داشته باشد زیرا ممکن است ظن وقوع جرمی موجود باشد. بنابراین این مطلب که پس از وقوع یک مرگ ناگهانی، تحقیقات قضائی آغاز و حتی کالبدشکافی انجام شود مطلب عجیبی نیست و نباید در این مورد به گمانه‌زنی و احیاناً شایعه‌پراکنی پرداخت. (دو) آنچه مسلم است نتایج چنین تحقیقاتی به‌هیچ‌وجه نباید منتشر شود زیرا این مطالب به حیثیت

پاسخ به فراخوان

مسئله‌ای به اسم مفقودشدن ۳۲ جلد پژوهش درباره زنان



► **فخر السادات محتشمی‌پور***

نتایج پروژه ملی «بررسی اشکال خشونت خانگی» که در دوران اصلاحات در ۲۸ استان کشور توسط وزارت کشور و دانشگاه‌های سراسر ایران انجام شد، نشان می‌دهد ۷۰ درصد زنان ایرانی حداقل یک بار مورد یکی از اشکال خشونت خانگی ازجمله خشونت کلامی، عاطفی، فیزیکی، جنسی و... قرار گرفته‌اند. پس از انجام این پژوهش بود که جلسات متعددی از سوی وزارت کشور با نهادهای مسئول در این زمینه چون نیروی انتظامی، قوه‌قضائیه، بهزیستی و سایر نهادها برگزار و نتایج این پژوهش با آنها در میان گذاشته شد. یکی از نتایجی که در آن جلسات گرفته شد، این بود که در ایران باید خانه‌های امنی مطابق با استانداردهای جهانی ایجاد شود تا محلی باشد برای پناه‌آوردن زنان خشونت‌دیده. از ویژگی‌های این خانه آن است که علاوه بر ایمن‌بودن، زنان خشونت‌دیده در آنها، هم با قوانین موجود در زمینه خشونت و حقوق خود آشنا می‌شوند، هم خدمات مشاوره و روان‌شناسی دریافت می‌کنند و هم از حمایت نیروی انتظامی و پلیس اجتماعی در این خانه‌ها برخوردار هستند و تا زمانی که نهادهای مسئول به این نتیجه نرسند که خانه آنها از ایمنی لازم برخوردار شده است، اجازه برگشت این زنان را به خانه‌شان نمی‌دهند. پس از طرح موضوع ایجاد خانه‌های امن، سازمان بهزیستی مدعی شد چنین خانه‌های امنی را حتی پیش از طرح این موضوع در کشور داشته است. اما پس از بررسی ما و بازدیدهایی که از این محل‌ها داشتیم، متوجه شدیم آنچه بهزیستی تحت عنوان خانه امن از آنها یاد می‌کند، مرکز نگهداری زنان سرپرست خانوار، دختران قراری یا سایر مراکزی از این دست است که استانداردهای خانه امن را ندارند و شاید حتی یک زن خشونت‌دیده از ترس اینکه مبدا با رفتن به این خانه‌ها برچسب بخورد، همچنان در خانه ناامن خود باقی بماند. به همین دلیل در نهایت تصویب شد پنج خانه امن در سرتاسر کشور برای زنان خشونت‌دیده ایجاد شود. این مصوبه همان‌زمان شد با روی‌کارآمدن دولت‌های نهم و دهم و پایان کار دولت اصلاحات. روز تودیع از سمت در وزارت کشور، بیان کردم تنها آرزویی که دارم جدی‌گرفته‌شدن این مصوبه و ایجاد این خانه‌های امن است. اما متأسفانه پس از اتمام دولت اصلاحات، به‌طورکل آن مصوبه نادیده گرفته شد. به‌طوری‌که چندپیش‌گفته شد اصلاً نتایج پروژه ملی بررسی اشکال خشونت خانگی که ۳۲ جلد بوده، مفقود شده است. من فکر می‌کنم این یکی از بزرگ‌ترین ظلم‌هایی است که در سال‌های اخیر بر زنان ایرانی روا شده است. این در حالی است که اسلام بیشترین ارزش و احترام را برای زن و خانواده قائل است و ما در کشوری اسلامی زندگی می‌کنیم. من معتقدم حکومت اسلامی در برابر کرامت انسان‌ها مسئول و موظف است؛ مخصوصاً کرامت انسانی زنان که رکن اصلی خانواده هستند. به همین دلیل لازم است در زمینه ایجاد خانه‌های امن اقدام کند. زیرا اگر از ارزش زن و خانواده می‌گوییم، نمی‌توانیم او را در هر خانه ناامنی حبس کنیم. متأسفانه اتفاقاتی نظیر آنچه درباره اعظم، زن مشهدی افتاد، هرازچندگاهی رسانه‌ای و بعد به فراموشی سپرده می‌شود. من معتقدم اگر می‌خواهیم کرامت انسانی افراد حفظ شود، باید به مواردی مثل منع اشکال خشونت خانگی توجه کنیم. امیدوارم مجلس آینده در این زمینه فعالانه برخورد کند. به علاوه دولت به پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه احترام بگذارد و تلاش کند با انجام اقدامات لازم، مانع از گسترش این‌نوع خشونت‌ها شود.

***مدیرکل سبق امور زنان وزارت کشور**

متوفی و خانواده او مربوط بوده و ورود به جنبه‌های خصوصی زندگی افراد، ممکن است در صورت شبهه وقوع جرم ممکن باشد، اما انتشار آن به‌هیچ‌وجه جایز نیست و چه‌بسا موجب تعقیب انتشاردهنده شود.

(سه) در مورد درگذشت ورزشکاران به یاد دارم قریب به ۴۰ سال پیش، تحقیقی درخصوص فوت ناگهانی چند بکستبالیست جوان آمریکایی منتشر شد که علت مرگ را بزرگ‌شدن قلب اعلام کرده بود. حالتی که ظاهراً هیچ علامت خاصی ندارد و به‌طور ناگهانی مرگ را باعث می‌شود. به نظر می‌رسد وقتی چنین احتمالی در مورد ورزشکاران وجود دارد حتی اگر نتیجه بررسی‌های قضائی در مواردی مطالب دیگری را دربر داشته باشد که به‌نوعی مخدوش‌کننده آبرو و حیثیت فرد درگذشته و خانواده و خویشاوندان اوست، اخلاق حکم می‌کند همان مورد اولیه را ولو به صورت حدس و گمان مطرح و از ورود در مطالب دیگری که باعث خدشه به آبروی

سلام به فردا

ورود به جزئیات علت فوت، توجیه قانونی و اخلاقی ندارد

افراد مرتبط می‌شود خودداری کنیم که گفته‌اند: آبروی مؤمن اهمیتی بیشتر از خون او دارد. چهار) با فرض اینکه کسی به رحمت خدا رفته و نتیجه کالبدشکافی و بررسی‌ها نشان دهد که وی مثلاً در نتیجه استعمال موادمخدر یا شرب خمر یا هر اقدام غیرقانونی دیگری که خود به آن دست زده، درگذشته است، با توجه به اینکه در مورد مرتکبان جرم‌های بسیار بزرگ مرگ باعث صدور قرار موقوفی تعقیب می‌شود به سه طریق اولی در چنین حالتی ورود به جزئیات علت فوت و به‌ویژه منتشرکردن آن به‌هیچ‌وجه محمل قانونی و توجیه اخلاقی ندارد. حاصل احترام به کسانی که دستشان از دنیا کوتاه است و امکان پاسخ‌گویی و دفاع ندارند، شیوه پسندیده‌ای است که درگذشته به آن مقید بوده‌ایم، شاید در این مورد نیز همچون بسیاری از موارد دیگر اخلاقی و اجتماعی، بازگشت به گذشته قابل‌توصیه باشد.

رودردرو

درخشانی از حال این روزهای خسرو آواز ایران می‌گوید

اشتقاق مردم مرهمی برای وضع جسمی شجریان

❧ **فکر می‌کنید چه می‌شود کرد؟** راستش جز اظهار تأسف و دعا برای سلامتی ایشان، هیچ در د کف شیر نر خونخوارهای / غیر تسلیم و رضا، کو چاره‌ای؟

❧ **نه منظورم روحی و معنوی مردم پرسیدم.** درمورد حمایت روحی و معنوی مردم پرسیدم.

خوب است که مردم، علاقه‌مندان و دوستداران، اشتیاق خود را به استادن نشان دهند. می‌دانید، شنوندگان و دوستداران صدای شجریان کم‌تعداد نیستند، شبکه‌های اجتماعی هم امروز فضای خوبی ایجاد کرده‌اند که این اشتیاق زمینه بروز پیدا کند، البته خود استاد می‌داند که چقدر در قلوب مردم جا پیدا کرده و چقدر طرفدار و مشتاق دارد اما وقتی که مردم اشتیاقشان را بیان کنند، قطعاً مرهمی برای وضع جسمی ایشان است. ما هنرمندان بسیاری داریم که محبوب جامعه خود هستند اما هر بیان مردمی‌ای، حتی اگر ساده و عامیانه باشد باز هم روی روحیه هنرمند تأثیرگذار است، خصوصاً که امروز شرایط ایشان هم مناسب نیست.

❧ **روحیه استاد چطور است؟ واقعا همان روحیه ورزشکاری را همچنان دارند؟**

شجریان روحیه بسیار عالی‌ای دارد... . خب واقعیت این است که برای من حرف‌زدن در این‌باره واقعا سخت است. ما در این ۱۲ سال اخیر خیلی به یکدیگر نزدیک بوده‌ایم و ناراحت‌کننده است که حالا زمانه و تقدیر، شرایط را به این شکل رقم زده‌اند. این را می‌دانم که هیچ‌یک از دستاران آقای شجریان، دوست نداشتمد حال استاد را این‌طور ببینند اما من هم مثل مردم، در پشت آن چهره‌ای که مواهیش کوتاه شده و به‌سختی حرف می‌زند،

موجی از امید را دیدم. از طرز سخن‌گفتنشان پیدا بود که آدمی محکم و قوی پیش‌روی ماست و آمده تا بی‌برده از بیماری‌اش با مردم ماسک بگذارد.

❧ **این روزها فقط استاد شجریان نیست که دچار کسالت شده‌اند، آقای کیارستمی هم در بستر بیماری افتاده‌اند. فکر می‌کنید دولت‌ها چه‌کاری می‌توانند در این زمان انجام دهند تا مرهمی بر این زخم باشند؟**

واقعیت این است که آقای شجریان نیاز به حمایت پزشکی ندارد. ایشان الان تحت نظر پزشکان خوبی هستند که روند درمان ایشان را پیگیری می‌کنند اما ای کاش که این ممنوعیت‌ها اتفاق نمی‌افتاد. تنها چیزی که می‌توانست به روند بهبود شجریان کمک کند همین وضع‌نشدن ممنوعیت‌ها بود. تأسف‌آور است که هنرمندی چون شجریان سال‌ها با شرایط بد جسمی مشغول فعالیت باشد اما اجازه انتشار آثارش را در کشور خود نداشته باشد. این را من می‌گویم که یک‌سال‌ونیم درگیر چنین ماجرای بودم و می‌دانم برای یک هنرمند، ممنوعیت تا چه میزان گران تمام می‌شود. ایشان درحال‌حاضر حداقل دو آلبوم آماده با گروه شهنواز دارند که لغو ممنوعیت انتشار آن‌ها می‌تواند تنها کمک مسئولان به روند بهبودی استاد باشد. باید تا دیر نشده، ممنوعیت شجریان در ایران لغو شود. شاید این وابسن تلاش ما برای حفظ روحیه استاد باشد.

پیشنهاد

رمان تازه یعقوب یادعلی در نمایشگاه کتاب

و البته اتاقی هم وجود دارد که نباید درش باز شود... این میان عشقی قدیمی نیز از عوامل اصلی رفتارهای این پلیس است. یادعلی، متولد سال ۱۳۴۹ در نجف‌آباد اصفهان است. او پیش از این کتاب، سه اثر «حالت‌ها» و «حیا» (۱۳۷۷)، «احتمال پرسه و شوخی» (۱۳۸۰) و «آداب بی‌قراری» (۱۳۸۴) را منتشر کرده بود. رمان تازه او را نشر چشمه منتشر می‌کند. او تاکنون جوایز مانند جایزه نویسندگان و منتقدان مطبوعات و جایزه بنیاد هوشنگ گلشیری را از آن خود کرده است.

یعقوب یادعلی بعد از یک دهه رمان تازه‌ای منتشر می‌کند. یعقوب یادعلی در روزهای برگزاری نمایشگاه کتاب تهران با تازه‌ترین کتابش به نام «آداب دنیا» حضور پیدا خواهد کرد. آخرین رمان یادعلی با نام «آداب بی‌قراری» در نیمه دهه ۸۰ منتشر شد. رمان جدید او درون‌مایه‌ای معملی دارد. یک پلیس خسته و تویخ‌شده درگیر یک پرونده عجیب می‌شود که پای او را به ویلایی در حوالی اصفهان باز می‌کند. ویلایی بزرگ که ساکنانش بسیار خاص هستند اما به ظاهر معمولی